زن در آیینه دفاع مقدس (1)

پدید آورنده : زهره شریعتی ، صفحه 20

مقدمه

چهره شان عجیب بود. روسری های سرمه ای و کِرم رنگ پوشیده بودند و لباس بلندی بر تن داشتند. سرمه چشمانشان گرد و غبار و اشک، سرخی لب هایشان از خشکیِ تشنگی، و گونه هایشان آفتاب زده و سوخته بود. عطرشان بوی باروت می داد و گردنبندی از پوکه به گردن داشتند. با تحمّلی شگفت آور سلاح در دست می گرفتند، یا کوله ای از تدارکات و مهمات و... را با آن سنگینی بر دوش می انداختند. زیورشان اسلحه شان بود، یا دوربین عکاسی شان، یا ضبط صوت و جعبه مهمّات و جعبه کمک های اولیه... و اکنون نیز قلمشان زیبنده ترین زینت آن هاست. ابهت شان چشم مردان را می گرفت و سوزن در دستشان، تیری بود بر قلب دشمن. نُقل عروسی شان گلوله بود؛ شاهد عقدشان شهدا؛ ضامن عقدشان امام (ره)؛ شرط ازدواجشان همراهی در سیر و سلوک و مدّت ازدواجشان شاید تا چند لحظه دیگر... .

و زنان جنگ، چنین بودند.

سرّ اینکه اباذر در مبارزه شهره آفاق است، برای آن است که مبارزات قولی و عملی او در کتاب ها به ثبت رسید و در سخنرانی ها طرح گردید. سرداران جنگ تحمیلی نیز چنین بودند. از همّت و چمران و باکری ها و بابایی ها و.... سخن ها گفته شد. امّا زنانی هم بودند که چه در صدر اسلام و چه پس از آن، اباذر گونه، هم در صحنه جنگ حضور داشتند و هم برای روحیه دادن به نیروهای اعزامی و رزمی از آیات و احادیث رسول خدا (صلی علیه وآله وسلم) استمداد می نمودند و دعوت و رهبری آن ها بر محور قرآن کریم بود.

اگر کارهایی که زنان، در جنگ ها و صحنه های سیاسیِ اسلام کردند، ده ها بار گفته می شد، به صورت فیلم تبلیغی درمی آمد و کتاب ها در این زمینه نوشته می شد، آنگاه مشخص می گشت که زن ها در پیشبرد دین چه در صدر اسلام و چه پس از آن همچون اباذر و مالک اشتر بودند.

زن هم می تواند مسأله جهاد را به عهده بگیرد، چرا که جهاد، تنها در سنگر بودن و تیراندازی کردن نیست. کمک های تدارکاتی پشت جبهه و متن جبهه، امور مربوط به نقشه برداری، دیده بانی و ... بخش های مهمی از جهاد به شمار می رود، که زنان می توانند آن ها را به عهده بگیرند.

زن از فیض جهاد محروم نیست. اگر کشوری در حال جنگ و دفاع است، و از طرف بیگانگان تهدید می شود، زن نیز باید دفاع کند و لازمه دفاع آموزش دیدن است. در هیچ یک از این مسائل، زن را محروم نکرده اند، بلکه در اکثر دشواری ها و امانت داری ها، در بسیاری مصائب و مشکلات، زن همتای مرد است.1

حتی اگر شرایط ایجاب کند، واجب است که زن، فرمانده لشگر هم باشد.2 چنانکه هنگام ظهور حضرت امام عصر (عج) طبق روایات، پنجاه تن از سیصد و سیزده نفر یاران امام، زن هستند و البته تنها اینان نیستند، بلکه این 50 نفر فرمانده دیگر زنانِ یاورِ حضرت هستند.

مشارکت بانوان در دفاع مقدس، از اهمیت به سزایی برخوردار است، زیرا از جهت کمیّت، حدود نیمی از آحاد جامعه را زنان تشکیل می دهند و مشارکت زن، یعنی هماهنگی نیمی از نیروهای جامعه در راستای یک هدف.

نقش زنان در صدر اسلام

نقش زنان در صدر اسلام در دفاع، امری انکارناپذیر و مالامال از ایثاری آگاهانه، تقدیمی عاشقانه و روحی مخلصانه است.

بزرگترین مدافع زن در صدر اسلام، فاطمه (علیهاالسلام) است. ایشان به همراه گروهی از زنان در جنگ احد شرکت کردند. حضرت زهرا (علیهاالسلام) و چهارده زن دیگر، عهده دار حمل آذوقه و آشامیدنی، مراقبت از مجروحان و آب رسانی به تشنگان بودند. در همین جنگ ایشان از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و علی (علیه السلام) پرستاری و مراقبت نمودند.

زنان دیگری نیز در صدر اسلام برای دفاع از عقیده، ایمان، و دین و کیان خود نقشی به سزا داشته اند. اولین شهید زن در اسلام، سمیّه است؛ مادر عمار یاسر. سوده همدانی با اشعار خود برادران مسلمان را تشویق به جهاد می نمود. صفیه دختر عبدالمطلب و عمّه بزرگوار پیامبر در جنگ احد سر یک یهودی را با شمشیر از تن جدا کرد، آسیه در مداوای مجروحین و انتقال شهدا سهم به سزایی داشت و یک نیروی رزمی بود. ام عمّاره در جنگ حنین یکی از دشمنان را با ضربات شمشیر از پای درآورد.

پیامبر اکرم همواره در جنگ ها تعدادی از زنان را به همراه داشت، که وظیفه آبرسانی به بیماران و مداوای آن ها را بر عهده داشتند. نسیبه، امّ سنان اسلمی، سِلمی کنیز پیامبر نیز به عنوان پرستار به ایشان کمک می کردند.

سهم زنان در جنگ هشت ساله ایران و عراق

بحث مهم زنان در جنگ ایران در سه مقوله اصلی می گنجد:

1ـ فعالیت زنان در پشت جبهه 2ـ حضور زنان در میدان نبرد و خط مقدم

3ـ نقش زنان در حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس پس از پایان جنگ

1ـ فعالیت زنان در پشت جبهه

مساعدت زنان در پشت جبهه، طیف گسترده ای از فعالیت ها را در برمی گیرد. از جمله:

الف ـ کمک های نقدی و غیر نقدی

«لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا ممّا تحبّون»؛ هرگز به نیکی دست نخواهید یافت مگر از آن چه دوست دارید (به دیگران) ببخشید.3 خانم مصباحی مدیر دبیرستان قدس نقل می کند: «از آنجا که می خواستیم کاری انجام دهیم که هم در روحیه شاگردان و هم خدمت عمده ای به جبهه باشد، لذا با صحبت هایی که با هلال احمر انجام دادیم، قرار گذاشتیم تا آمبولانسی به صورت امانت به مدرسه آورده شود، آنگاه به شیوه های مختلفی که دانش آموزان در نظر می گیرند، به تدریج پول آن تهیه شود. قرار شد هر روز یک کلاس، غذایی تهیه کند و با فروش آن به دانش آموزان، سودش را برای خرید آمبولانس پرداخت نماید. حتی بعضی از کلاس ها روزه گرفتند و پول صبحانه و نهارشان را به جبهه دادند. این مسأله شور و شوق عجیبی در دانش آموزان به وجود آورد.»4

«زنی را دیدم که با وجود فقر مالی، دسترنج یک ماه حصیربافی خودش را با رضایت فرزاندان یتیم خود برای کمک اهدا کرد.»5

در سال 66، شرایط خاصی در جبهه ها به وجود آمده بود. در دبیرستان دخترانه ای که من مدیر آن بودم، جهاد مالی اعلام شد. روز اول چند تن از فرزندان شهدا، انگشترهایی که پدرانشان برایشان خریده بودند، داوطلبانه به صندوق ریختند. دانش آموزی داشتیم که برادر شهیدش برای ازدواج خود یک انگشتر برای نامزدش خریده بود. او نیز آن را به جبهه اهدا کرد. 6

مرحومه فهیمه بابائیان پور، همسر شهید غلامرضا صادق زاده، در نامه ای به همسرش، می نویسد: «دستم را از زیر چادر بیرون آوردم و یکبار دیگر برای آخرین بار به آن نگاه کردم. از دستم بیرونش آوردم و گفتم: می خواهم برای جبهه بدهم. برادری که در دکه ایستاده بود، گفت: چیه؟ طلاست؟ و بی اختیار نوار آهنگران را پشت بلندگوی دکه گذاشت. صدای آهنگران در میدان پیچید. اما من به خاطر می آوردم لحظات خوشی را که برای خریدنش صرف کرده بودیم. از این مغازه به آن مغازه. مغازه دار وقتی آن را آورد، گفت: عقیق این انگشتر یمنی است. تو خوشحال شدی و به عنوان تنها خرید ازدواجمان آن را خریدی. می خواستم به آن برادر بگویم: آری طلا است. تنها خرید ازدواجمان است. می خواستم بگویم که خیلی دوستش دارم. می خواستم بگویم که چند روزی در دستم کردم که خاطره اش در ذهنم بماند... برادر نوشت: انگشتر طلا با نگین دریافت گردید... . از دکه کمک به جبهه بیرون آمدم و پیش خود گفتم: یا زهرا (علیهاالسلام) قبول کن!7

ب ـ آشپزی و تهیه مواد غذایی

«عملیات کربلای چهار و پنج بود که تعداد مجروحین زیاد بود و آن ها را به نقاهتگاهی که به همین منظور در استادیوم آزادی تهران تدارک دیده بودند، آوردند. ساعت 12 شب، به بسیج خواهران محل اطلاع دادند که دویست کیلو هویج را باید آماده و آبگیری کنید. ما بلافاصله با خواهران تماس گرفتیم. آن ها به مسجد آمدند و در مدت 2 ساعت، تمامی 200 کیلو هویج را آب گرفتند و در شیشه آماده کردند. وقتی برادرها برای تحویل آن ها به مسجد آمدند، از سرعت عمل ما شگفت زده شدند...»8

ج ـ خیاطی و تهیه لباس گرم

«یکی از خواهرانی که در ستاد پشتیبانی مکتب الزهرا(علیهاالسلام) فعالیت کرده است، چنین می گوید: «آن روزها شنیدیم که بعضی کارخانه ها لباس هایی را که برای برادران سپاهی و ارتشی می دوزند، دستی 45 تومان از دولت پول می گیرند. ما با مراجعه به واحد امور صنفی تقاضا کردیم که دو هزار دست لباس را می دوزیم و مجاناً در اختیار دولت می گذاریم.»9

«حتی در مواقع بمباران هوایی دشمن، شبانه روز پشت چرخ خیاطی می نشستیم و فقط کار می کردیم. مادر شهیدی که در فاجعه هفتم تیر پسرش شهید شده بود، اشک می ریخت و شبانه روز در ستاد، لباس می دوخت...»10

دـ اهدای خون

دکتر میلانی، مدیر عامل وقت سازمان انتقال خون ایران، خاطره ای از عملیات کربلای 5 نقل می کند: «... ساعت حدود 3 نیمه شب بود. برای سرکشی به سالن انتقال خون رفتم. دیدم گروهی از خواهران برای اهدای خون از دولت آباد تهران به سازمان آمده اند... آن هم در آن ساعات شب!»11

ه ـ ازدواج با رزمندگان و جانبازان

معصومه صالح خانی، همسر جانباز صفوی (نابینا از دو چشم و محروم دوپا)، می گوید: «اوایل جنگ بود. فکر می کردم من که زن هستم، تکلیف من چیست؟ احساس کردم که باید با یک جانباز ازدواج کنم...»12

و ـ سخنرانی و نامه های پرشور در تشجیع رزمندگان

سخنرانی پرشور مادر بزرگوار شهیدان مهدی و مجید زین الدین، در تشییع پیکرشان، چنان شوری در همگان ایجاد کرد که هزاران هزار جوان برومند با تهییج مادرانشان، داوطلبانه به جبهه اعزام شدند... .

و یا سخنرانی فهیمه بابائیان پور، همسر شهید غلامرضا صادق زاده که: «ای همسر شهیدم! راهت ادامه دارد...». فهیمه پس از آن که بر جسد پاره پاره همسرش حضور یافت، به جای آن که فغان و زاری پیشه کند و سیاه بپوشد، لباس سپید عروسی اش را بر تن کرد و گل روز عروسی اش را در دست گرفت و پیشاپیش همگان در تشییع پیکر همسرش فریاد برآورد: «ای همسر شهیدم! شهادتت مبارک!» و در هنگام تدفین او، در میان انبوه جمعیت، با صدای رسا گفت: «الهی! رضاً برضائک، تسلیماً لأمرک». و در مراسم ختم او تأکید کرد که «این ختم نیست که آغاز است، آغاز راهی که همسرم آن را پیمود...»

از آن پس فهیمه یکسال لباس سپید پوشید؛ چرا که خود را عزادار نمی دانست، همان گونه که در تدفین او گفته بود: «اگر غلامرضا به مرگ طبیعی مرده بود، سیاه می پوشیدم؛ چرا که عزیزی از دست رفته بود. اما اکنون لباس سپید عروسی ام را بر تن کرده ام؛ چرا که می دانم او هست، ناظر است، شاهد است، من حتی از او خداحافظی هم نمی کنم...». کلامش چنان شورانگیز بود که بانویی از فهیمه 19 ساله خواسته بود تا اگر پسرش شهید شد، فهیمه در مراسم ختمش سخنرانی کند.13

ز ـ تبلیغات برای ایجاد روحیه حماسی در رزمندگان

هنر، همچنانکه پیر مراد رزمندگان گفته بود: دمیدن روح تعهد در انسان هاست... و این چنین بود که شاعران و هنرمندان زن در این میان نقش آفرینی کردند. اشعار حماسی و شورانگیز مرحومه سپیده کاشانی، خانم سیمین دخت وحیدی و طاهره صفارزاده، همچون شعر خنساء در زمان پیامبر، حماسه ساز بزرگمردان بود. تهیه و نصب پلاکاردها و تراکت های تبلیغاتی و شعارها و... نیز شیوه ای دیگر بود.

«بچه ها چند قوطی رنگ که در خانه داشتند، آورده بودند. نقاش ابتدا طرح ها را با مداد روی تخته ها پیاده کرد. قلم مو نداشتیم. نگاهی به هم انداختیم. آستینم را بالا زدم و انگشتم را در قوطی رنگ فرو بردم و شروع کردم به رنگ زدن. بقیه هم به من نگاه کردند و با خنده مرا همراهی کردند... صدای اذان صبح که بلند شد، کار طراحی ما نیز به پایان رسیده بود...»14

چنین است که رهبر معظم انقلاب می فرمایند: «ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم ها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر هم نبود. اگر زنان حماسه جنگ را نمی سرودند و جنگ را در میان خانه ها یک ارزش تلقی نمی کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی کردند. ده ها عامل دست به دست هم می دهد تا خیل عظیم بسیجی را به سمت جبهه روانه کند. یکی از مهمترین این عامل ها، روحیه همسران و زنان است...»15

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

1ـ آیت الله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، نشر فرهنگی رجاء، ص 292.

2ـ همان، ص 391.

3ـ آل عمران/ 92.

4ـ زهرا رحمانیان، نقش رزمی زنان در دفاع، ناشر: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، ص 10.

5ـ همان، ص 15.

6ـ عشق و آتش (ویژه نامه بانوان فداکار مازندران)، ص 104 و 106.

7ـ علیرضا کمری، نامه های فهیمه، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ص 137.

8ـ عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص 80.

9ـ نقش پشتیبانی رزمی در دفاع، کنگره نقش زنان در دفاع و امنیت، ص 10.

10ـ همان، ص 11.

11ـ همان، ص 15.

12ـ همان.

13ـ نامه های فهیمه، ص 116.

14ـ منبع شماره 9.

15ـ حدیث ولایت، ج 3، ص 54.